

ددای حناتی ی عشق را

از دور می شناسد

زبان ستاره را

آنکس که

به قدر کودکی هم

می داند

www.Bakhtiaries.com

### دویاره نم برداشت

پیشانی ی بلند عشق

و پلک کدبانو

دویاره آبی شد

شال قسم

به گردن

نمی بیجد

آفتاب

### « تا شام دیگر »

از دلربائی گیاه

در فرصت ظهور کدام غمزه

پرواز دل آسان میشود

به صحبت ستاره

عادت کرده دلم

www.Bakhtiaries.com

گر شمه‌ی گیاه را

بیدار می‌کنم

تا بی همزبانی

دل را

تفرساید

تا شام دیگر

رنگ‌های این سیاره

در شماره

نمی‌گنجد.

### «بی تایی»

به زلف تو می‌آید فقط

که خواب ستاره را تصویر کند

وقتی تفرس‌های یاران را

بی‌وقفه از براست

بانوی من!

بیهوده نیست

بی تایی دلی

که وقت فرود از کاکلش

برگوشه‌ای غریب

دل دل

می‌زند

و تازه

یک‌پاره از جغرافیای عشق را

در تصرف داریم ما

## «معراج نباتی»

www.Bakhtiaries.com

دری

به قصر غزل دارد

این خواب نقره‌ای

با این نمای نجومی اش

بر پله‌هایش

رخسار آشنای غزل

آشکار است و

غوغای گیاه

کسی که در معراج نباتی اش

بی فاصله با ستاره

می چرخد

در جستجوی معنا

پوست به رطوبت

نمی دهد

## «از مخمل نفس هایش»

دل‌تنگی مرا می‌یافتد

این بوسه‌های «نازنین»<sup>(۱)</sup>

علی‌الخصوص بر روی سفره که می‌دهند

بگذاراز مخمل نفس هایش  
 یک پاره دعای دل سازم  
 که در همین لحظه  
 در آه ممتدی  
 خلاصه خواهم شد

www.Bakhtiaries.com

### عباس ارشاد «دارابی ناغانی»

شادروان عباس ارشاد شاعر خوب دیار ما، با مرگ زوورسی دیده از جهان فرو بست و غزل زندگیش نیمه تمام ماند شعر چشمه جوشان را که در زمینه ارادتش به اینجانب سروده است میاوریم و یادش را گرامی میداریم.

#### چشمه جوشان

ز سرزمین کدام آفتاب روئیدی  
 شمیم شعر تو! بوی گلاب را دارد  
 تو از سلاله خورشیدی! ای بهین پرتو  
 سفینه غزلی ای غزال خوش رفتار  
 تو عین مرکز ثقلی! طلایه دار سخن ا  
 زمانه محبس شعر و چکامه و غزل است  
 حجاب تیره شب بر فروغ شعر نشست  
 در این سطوح سیاه رنگ! خامه بی رنگ است  
 به چنگ زاغ فتاده است دشت شعر و غزل

که چشمه سار صفت در سراب روئیدی  
 تو گلستان از بطن گلاب روئیدی  
 بسرای سرزنش آفتاب روئیدی  
 که از میانه سطر کتاب روئیدی  
 چو عکس یار بجام شراب روئیدی  
 در انجماد پر از اشهاب روئیدی  
 تو آفتاب! میان حجاب روئیدی  
 چه گرم شعله زدی! آفتاب روئیدی  
 از آن به اوج سخن چون عقاب روئیدی

به لحظه لحظه آرام گفته «ارشاد»

چو باد تیز تکی با شتاب روئیدی

## دو بیتی‌ها و شروه خوانی در بختیاری

در شیوه‌های ساختاری شعرایران، دو بیتی همواره در طول تاریخ ادبیات ما جای نمایان خود را داشته و بخاطر مرحله ایجاز و سریع‌الانتقال بودن زودتر از هر شیوه ساختاری از شعر در ذهن خواننده میماند، حتی چند از سخن پردازان بختیاری در زمینه‌گریش بختیاری در سرودن دو بیتی اقبال نشان داده‌اند، خود نگارنده نیز نمونه‌هایی از دو بیتی‌ها را ارائه کرده‌ام که بچاپ و انتشار آنها اقدام نمودم، دوستان شاعر داراب رئیسی و قهرمان محمدی هم به سرودن دو بیتی همت گماشتند که اشعارشان منتشر گردید، ویژگی این دو بیتی‌ها در محتوای ترکیب آنها است زیرا از دامنه‌های سرسبز و خیال آفرین سبزه کوه و زردکوه و ساحل عشق انگیز کارون و زاینده‌رود دو بیتی رنگ و نمادی دیگر دارد، افزون براینکه رگه‌های غمگنانه حاصل از جدال مردم این سرزمین با عناصر طبیعت و فضای بسته که تنها فریاد آنان به آفریدگار پاک میرسد و عشق روستائی که سرشار از پاک‌ی و یک‌رنگی است بهمراه کوچ بی‌انتهای ایل درونمایه این اندیشه‌ها میگردد، در دوران نوجوانی خود همیشه در این اندیشه بودم که چرا شروه خوانی در بختیاری ریشه نگرفته و این موسیقی غمگنانه ویژه سرزمینهای جنوب است که فایز دشتستانی آترا به ادبیات غنائی ما هدیه کرد و اکنون پس از سالها تلاش شاعران این دیار می‌بینم که این دو بیتی‌ها نقل محافل و مجالس خانواده‌های بختیاری گردیده و نی‌زنان شورآفرین این ترانه‌ها را یا آهنگ شروه مینوازند و خواننده‌های با ذوق میخوانند و سرانجام به این نتیجه رسیدم که شعر و موسیقی دو جزء کامل‌کننده همدیگرند و اگر انگیزه شاعران تلاشگر بیاری این رشته موسیقی نمی‌آمد هنوز شروه خوانی راهی به این دیار باز نکرده بود، بویژه در چهارمحال که یکتو آهنگ دهکردی به روال شروه خوانها رایج گردیده چنانکه کمانچه شهرکردیها در غنابخشیدن به موسیقی بختیاری در سالهای اخیر نقش سازنده‌ای بوجود آورده است، در این بخش ما چند دو بیتی از هر شاعری انتخاب کرده‌ایم که زینت بخش این فصل از آثار سختوران بختیاری مینمائیم بدان امید که در آینده رگه‌های عشق ناب ایلیمتی در دلهای جوانان شاعر شعله برافروزد و

آفرینشی بیشتر در این زمینه بوجود آید باید دانست که همیشه اندیشه‌های شاعرانه در بعدی از زمان زیاده میکشد و به آفرینشی نوجوان می‌بخشد، پیشینه شعر غمگانه عبدمحمدلری بیش از ۵۰ سال نیست و آن شاعر تو تالتر ایللی که با بهره برداری از عشق بیربا و صمیمی این دو دل‌داده بخلق اشعاری پرداخته گمان نمی‌کرد که امروزه فصلی از موسیقی بختیاری را تشکیل داده که اگر خوانندگانی از تبار بهمن علاءالدین و کورش اسدیور باشند یا خواندن ترانه عبدمحمد لری یا رگ و پیوند انسانهای ایل بازی میکنند، همان چهارشنبه‌ای که بروایتی بی‌شگون بوده و بروایتی دیگر نقشی در کار عشق و عاشقی نداشته‌است.

چهارشنبه بیست و یکم خوم<sup>(۱)</sup> گله بردم      ار<sup>(۲)</sup> دوئم ایبیره<sup>(۳)</sup> خوم جاس<sup>(۴)</sup> ایسردم

ترجمه:

چهارشنبه بیست و یکم خوم گل را بردم اگر میدانستم که او میبرد خوم بجایش می‌روم.

چهارشنبه بیست و یکم مر<sup>(۵)</sup> روز خدانید      هر جا که ری ایکنم بختم<sup>(۶)</sup> نهانید

ترجمه:

چهارشنبه بیست و یکم مگر روز خدانید که هر جا رو میکنم بختم بدنبالم نمی‌آید.

می‌بینیم که یک شاعر ابتدائی ایل چگونگی عشق و خرد را به سبب واداشته که هم لطافت و زیبایی و خیال آفرینی چهارشنبه بیست و یکم را که با همه بدشگونی که از عشق سخن دارد می‌پذیرد و هم در جای دیگر همه روزها را روز خدا میداند و نقشی برای ناشگونی آن بر جای نمیگذارد که روایت خرد است و بزرگانندیشی.

بزم ما پایان گرفت اما حدیث سوز و ساز

تا دلی، عشقی، غمی، دردی، نغانی هست، هست

۲- اگر میدانستم

۱- خوم گل را بردم

۴- خوم بجایش می‌روم

۳- می‌برد

۶- جلونیست

۵- مگر

## ۱- عبدالعلی خسروی «قائد بختیاری»

### کهریز

سرکهریز بالا نوشکه<sup>(۱۱)</sup> دیبیس      ولا<sup>(۱۲)</sup> واتنی خریلاری خرییس<sup>(۱۳)</sup>  
 پل اوریشمی<sup>(۱۴)</sup> وئر بی بی ریس<sup>(۱۵)</sup>      منی<sup>(۱۶)</sup> مه بیلد، آفتوگرده نیس<sup>(۱۷)</sup>

### افتو نشینه

فلامرزن بگوشو در کبه      بیار: گسائنه افتو نشینه  
 دولیل<sup>(۱۸)</sup> ته برن پل<sup>(۱۹)</sup> ورسوشون      تیا<sup>(۲۰)</sup> گرگ بیاوون پرزخبه

### حونه افتو

کله<sup>(۲۱)</sup> مو، حونه<sup>(۲۲)</sup> آفتوگرومند<sup>(۲۳)</sup>      پیایل<sup>(۲۴)</sup> راندن و بسختم به خوند  
 چه کردای روزگاری، سزانجم      که چون سرکشم مین شهوشومند

### گل افتو

سرکه آسمونها پرز رازه      گل افتو به دس گلبنازه  
 تموم آساره هامین چنگمونه      که هُمسامون خدای بی نیازه

- |                  |                       |
|------------------|-----------------------|
| ۱- شبروزی        | ۲- بخدا               |
| ۳- خریبندمش      | ۴- ابریشمی افتاده بود |
| ۵- سرخسارشی      | ۶- پندازی             |
| ۷- دو نصفتر کرده | ۸- تفنگ دهن تیر       |
| ۹- بگذار         | ۱۰- چشم های           |
| ۱۱- کلاه من      | ۱۲- خانه آفتاب        |
| ۱۳- مانند        | ۱۴- مردان دلیر        |

## چنگمونه

پای<sup>(۱)</sup> سرکشم اهرگزنمیری      که جامنده<sup>(۲)</sup> زسردارد دلیری  
همی رازد که دشمن وابدونه      پس هربرد<sup>(۳)</sup> که خوسیده<sup>(۴)</sup> شیری

## گل باوینه

منتی<sup>(۵)</sup> چی گل باوینه<sup>(۶)</sup> رادرد      مونه کشتن چونو تینا<sup>(۷)</sup> کنبررد  
ونشت<sup>(۸)</sup> افتو غم سوز کردم      که وایده میام اسبید وریم زرد

## قهر

گلنبر! ای ددو ورمین شهرم      خوت ایدونی زیوم ودام قهرم  
بیجا او پاله<sup>(۹)</sup> دو بی بی گلندوم      به ایجو دادنه به پاله زهرم

## گردیشه

بهار گرده<sup>(۱۰)</sup> بیشه دلنشین      سکنر<sup>(۱۱)</sup> واکل نوش آفرینه<sup>(۱۲)</sup>  
ستاره سینه ریزککشونا      گل افتومنی<sup>(۱۳)</sup> فرش زمینه

۲- مانده

۱- مرد

۴- خوابیده

۳- سنگ

۶- گل باوینه

۵- پنداشتی

۸- پیش

۷- تنها

۱۰- بین راه بروچن نردگان

۹- پیاله

۱۲- همسر اسکندر خاں

۱۱- اسکندر خاں عکاسه شاعر

۱۳- پنداری



www.Bakhtiaries.com

## صُحُو پاك

دلت چي صُحُو<sup>(۱)</sup> پاكه! شونداره      گل رخسارته مهتو<sup>(۲)</sup> انداره  
ديارت بي زُوه<sup>(۳)</sup> اچي برگ افتو      كه دل وايماد عشقت خو<sup>(۴)</sup> نداره

## گل گريو

هنی! چي گل گريوي<sup>(۵)</sup> داغ دارم      گل ناخونده فصل بهارم  
گر<sup>(۶)</sup> هديم دس کم، اما تو فوني      كه سوجامنده خين<sup>(۷)</sup> سوارم

## تاته زا

بشهر، گوگريها چي شفات<sup>(۸)</sup>      كه نا آسونه ترنگم واباته  
تو گسهلي مردمون شهر پر غم      به زگون حين<sup>(۹)</sup> سور تاته زاته<sup>(۱۰)</sup>

## گر مريم

اير<sup>(۱۱)</sup> بنگ خدان زيدي به گهسار      يمهني چي گر مريم سردار  
هنی<sup>(۱۲)</sup> خين عليمردون زنه جوش      فني گو شاپره وا بنگ هيچار

- 
- |               |                     |
|---------------|---------------------|
| ۱- صبيح پاك   | ۲- مهتاب            |
| ۳- بي عبور    | ۴- خواب             |
| ۵- لاله آتشين | ۶- مرادست كم گرفتني |
| ۷- خون نولرم  | ۸- برادر رسنم       |
| ۹- خون سبخ    | ۱۰- پسر عموي تر     |
| ۱۱- اگر       | ۱۲- هنوز            |

## گل نجیم

گل پاک نجیم<sup>(۱)</sup> کوهساری      زایل پر غرور هفت و چاری  
چنو خندی منه دشت شقایق      منی جامنده<sup>(۲)</sup> خین سواری

## گل افتو

گل افتو<sup>(۳)</sup> که زید چتر خدایه      پُر گل کرد، گلدرون چگایه<sup>(۴)</sup>  
بیو<sup>(۵)</sup> ای افتو جون و دل سو      که وایک<sup>(۶)</sup> بویم روز با صفایه

## گوگری

ایخوم<sup>(۷)</sup> تا بختیاری یکدل آبرو      بلبط گوگری<sup>(۸)</sup>، پر حاصل آبرو  
مونه<sup>(۹)</sup> گت غم ای هفت و چاری<sup>(۱۰)</sup>      ایخوم یازه گگو<sup>(۱۱)</sup> غم منزل آبرو

## بی بال و پر

مونه دور<sup>(۱۲)</sup> گلیجون با خور کرد      که مرجونه<sup>(۱۳)</sup> تونه از ره بدر کرد  
نهشتن<sup>(۱۴)</sup> تا به عشقت پر درازم      غم و دردت مونه بی بال و پر کرد

۱- نجیب

۲- آفتاب

۳- بی

۴- میخوام

۵- من

۶- بازده برادر

۷- مرغانه

۸- جا مانده

۹- نه

۱۰- با یکدیگر

۱۱- برادری

۱۲- چهارلنگ و هفت لنگ

۱۳- دختر

۱۴- نگذاشتند

www.Bakhtiaries.com

## آبشار گیسو

همو ساعت مو ایخاسم<sup>(۱)</sup> بدم<sup>(۲)</sup> جون که رهد<sup>(۳)</sup> ارشار<sup>(۴)</sup> میت ری مرمرشون<sup>(۵)</sup>  
 نیشم<sup>(۶)</sup> ارتسونه! اما گمونم که هنی<sup>(۷)</sup> دودری<sup>(۸)</sup> از نسل کارونه

## گابه لیر

دوقرا دوتی که امشو گابه لیره<sup>(۹)</sup> گوت<sup>(۱۰)</sup> سی نخوس بیت خونه امیره  
 پنه<sup>(۱۱)</sup> پاته مینه وار<sup>(۱۲)</sup> پلنگون ز کسی ترسی که یارت نزه شییره

## غزل

تیا<sup>(۱۳)</sup> ناز تو شاییت غزل بید که رنگ شاد و تشمین غسل بید  
 غزال دشت سوز الف<sup>(۱۴)</sup> ولیلم کتاب<sup>(۱۵)</sup> عشق تو شور متل بید

## میراث

ایر زاینده رودین ارکه کارون ببارین سی دل و جون مو بارون  
 عیا<sup>(۱۶)</sup> بنجاق میراث بو زمین<sup>(۱۷)</sup> بخاک چی بهشت سرورازون

- 
- |                     |                 |
|---------------------|-----------------|
| ۱- میخواستیم        | ۲- بدم جان      |
| ۳- ریخت             | ۴- آبشار گیسوان |
| ۵- مرمر شانه ها     | ۶- نمی شناسم    |
| ۷- هنی              | ۸- دختری        |
| ۹- استراحت کشاورزان | ۱۰- برادرت      |
| ۱۱- بگذار بایت را   | ۱۲- جایگاه      |
| ۱۳- چشمها           | ۱۴- هزار و یکشب |
| ۱۵- کتاب            | ۱۶- شما         |

## خال زرخندان

به من کهچه<sup>(۱۸)</sup> خالت یخندانسی ایخانم<sup>(۱۹)</sup> تایام بیت<sup>(۲۰)</sup> کهختانی<sup>(۲۱)</sup>  
امانوسم<sup>(۲۲)</sup> ای شه<sup>(۲۳)</sup> رنگ جادو نطق<sup>(۲۴)</sup> بیلورینه<sup>(۲۵)</sup> جیم جلاسر

## گل به شاخساریم

من و تو چی گل به<sup>(۲۶)</sup> شاخساریم که سرزیده و دشت بختیاریم  
منی آسیده<sup>(۲۷)</sup> ورداسون کهسار ز طاق آسمونا<sup>(۲۸)</sup> برگه داریم

## خدای

پین گه<sup>(۲۹)</sup> دیدیت کردم سلامی گم ای جون و ایموتم تیامی  
به محراب دو برگیت سجده وندم مکن مهنم<sup>(۳۰)</sup> ایر گهدم خدای

۱۷- پدرم هتید	۱۸- زرخندان
۱۹- میخواستم	۲۰- برایت
۲۱- خواستگاری	۲۲- نلتانسم
۲۳- این نقطه سیاهی جادو	۲۴- نطقه
۲۵- در درون	۲۶- یک
۲۷- آسوده	۲۸- سایبان
۲۹- غروب گماهان	۳۰- منعم مکن

## ۲- داراب رئیسی بختیاری

## قلم

به اسم او که دنیا نه بپا کرد      غم و درد نصیب<sup>(۱)</sup> هر یا کرد  
 بچونم عشق و وردم قلم داد      من<sup>(۲)</sup> و درد مردم آشنا کرد

## عشق

قلم و عشق پاک و پاکی عشق      به شوینداری و افلاکی عشق  
 خداسی احترام عشق ایله      به عاشق جوهر بی پاکی عشق

## خاک پاک

تو روح سربلند کوهاری      تو نم نم ریز بارون بهاری  
 تو جور خاک پاک بختیاری      سرافراز و بلند و سردراری

## دل بی عشق

دل بی عشق برسد<sup>(۳)</sup> کوهساره      سر بی شور دیگ دسته داره  
 کدوئنگ<sup>(۴)</sup> پیای بی محبت      زلیشی<sup>(۵)</sup> جور شاخ خشک دلره

## برافتو

زاو روزی که مالت زید<sup>(۱)</sup> برافتو      مُونبدم غیرت و گرمی زافتو  
 به دنیای جدا کاری تومی خُت<sup>(۲)</sup>      تیات<sup>(۳)</sup> آتاره، ریت افتو، پَلت<sup>(۴)</sup> شو

## چشمه سار

به سنگینی چه کوه با وقاری      به پاکی چی زلال چشمه ساری  
 به گرمی و به اسیدی چه افتو      به شادی چی گل شهر<sup>(۵)</sup> بهاری

## مهمانی

کلوسی<sup>(۶)</sup> بنگ ایگرد آعلوش<sup>(۷)</sup>      بینه گنده بلیطی نه سریش  
 اخام<sup>(۸)</sup> امشومه مهمونم آبوین      کُشم سی گویل<sup>(۹)</sup> خُم تیشرش<sup>(۱۰)</sup>

## آرمون

دلیم ایخوا که باز افتو دراهه<sup>(۱۱)</sup>      صدای سی هی و هوهو دراهه  
 ز زیر بر دگهپ<sup>(۱۲)</sup> آرمونم      دو لیل ته پُرو<sup>(۱۳)</sup> برنو دراهه

۲- برای خودت

۱- آمد بر آفتاب

۴- مجرات سنگ شب است

۳- چشمانت

۶- نامی است

۵- گل سرخ

۸- میخواهم

۷- نامی است

۱۰- گوسشتد سفید

۹- برادران خودم

۱۲- سنگ بزرگ آرزویم

۱۱- در آید

۱۳- دو نول نه یرو و برنو

www.Bakhtiaries.com

## دل تنگ

دل تنگم هوای یار داره      هوای روز بی شوگار<sup>(۱)</sup> داره  
زنا اهلون چی آهوی گریزون      خیال خلوت کهار داره

## همنشینی آفتاب

تو واکوک بهاری همنشینی      زایما<sup>(۲)</sup> زیترا تونه‌ای بیینی  
زالال چشمه سارون بهاری      تو صحو<sup>(۳)</sup> دلنشین بی پسینی<sup>(۴)</sup>

## با بهار

گدی<sup>(۵)</sup> وختی بهار آبوتاهم      گدی و آقارچ و ریواس ایدرام  
تیام دی کور آبین و تویدی      بگو وا تا به کی رهنه<sup>(۶)</sup> بیام

## دیس بی برد

سریه چشمه سردی رسیدم      صدای قهقهه کوکی شنیدم  
به آهنگ خوشن ایخوند افسوس      به دنیا دتر بی بردی<sup>(۷)</sup> مونیڈم

۱- از ما زودتر

۱- شبا

۲- بی غروب

۲- صبح

۳- راه را بیایم

۵- گنتی

۷- دست بی سنگ

www.Bakhtiaries.com

## ریشه داره

غم گویل بجوم ریشه داره      پلنگ و شیرزم<sup>(۱)</sup> اندیشه داره  
 دیار با صفای بختیاری      هزارون شیر نرمین بیشه داره

## برنو

گلم گرمی تونه افتو نلاره      تو خوت روزی، ولانت شو نلاره  
 خطر هائی که مرزنگ تو داره      خدا ایلدونه که برنو نلاره

## خمون و آگهی مون

بیوای کس کسیم ری ژر ولایت      آیز مندیم منهای شهر ای چسیم<sup>(۲)</sup>  
 ایر<sup>(۳)</sup> مندیم، خمون و آگهی مون      به تخت سینه دیقار<sup>(۴)</sup> ایلدیسیم

## کوه شیمبار

مونخواهم که روخم خوار آبو      همس<sup>(۵)</sup> در مونده و تو دار آبو  
 بلندی و وقار و آرمونم      سوک<sup>(۶)</sup> ترزنگه شیمبار<sup>(۷)</sup> آبو

۱- زمن

۲- می پرسم

۳- اگر ماندیم

۴- دیوار می چسیم

۵- همدانش

۶- بیگ

۷- کوه شیمبار در بختیار



## درخت بیکسی

درخت بیکسی باری نداره      دل سرگشته دلنداری نداره  
ببازاری که زرگر پینه دوزه      طلای مو خریداری نداره

## پازن

تو روح کوهاری پازن<sup>(۱)</sup> که      زلال چشمه ساری پازن که  
ز آزادی به زیرانتو و مه      تو تینا<sup>(۲)</sup> یادگاری پازن که

## سواران دلیر

موته توی سوارون دلیروم      موآهنگ دل صیاد پیروم  
ز نسل تگوارون سرافراز      ز ترس و مستی ویشی بدیروم

## یادگار

بلیط پهن و پیرای دیارم      موخال سوز تیگ<sup>(۳)</sup> روزگارم  
به گودال دلِ گیل ریشه دارم      ز دارا و سکسیندر یادگارم

www.Bakhtiaries.com

## گل آساره

دلما ایغوا منه اویری<sup>(۱)</sup> نشینم      زیال زرده<sup>(۲)</sup> سوزونه<sup>(۳)</sup> بوینم  
گیزم<sup>(۴)</sup> مهنه بلستم چی پیاله      گل آساره ری کلار<sup>(۵)</sup> چینم

## نیرنگ

تلونی مرکه دشمن کرد نیرنگ      نها بین دو ناگو<sup>(۶)</sup> سالها جنگ  
به اسم ذهنی چالنگ و هف لنگ      سر هفت پشتموله کولت ورسنگ

## پایداری

درخت پایلاری پیر نیبو<sup>(۷)</sup>      هر آهن کهنه‌ای شمیر نیبو  
کھستون بلند بختیاری      دمونی<sup>(۸)</sup> بی پلنگ و شیر نیبو

## خاک ایران

ایرسی به بلست<sup>(۹)</sup> خاک ایرون      همه خین خوم و گویل برسه<sup>(۱۰)</sup>  
زیو بهتر که چارآنگست زی خاک      بخاک کشور بیگونه دیسه<sup>(۱۱)</sup>

۱- ابری

۲- زردکوه

۳- سبزکوه

۴- یگیرم ماه را

۵- کوه کلار

۶- برادر

۷- نمیشود

۸- لحظه‌ای

۹- وجه

۱۰- بریزد

۱۱- بچسبد

www.Bakhtiaries.com

## ۳- قهرمان محمدی بختیاری

## شمشیر کین

دلم چی لاله زاری پر زغینه کدم<sup>(۱)</sup> اشکسته شمشیر کینه  
 موزونم<sup>(۲)</sup> بسته رابیده به بنئی که هر شو خویه زنجیری ای بینه

## شوگار

بهارم چی زمسون سرد و ابید دلم وار<sup>(۳)</sup> هزارون درد و ابید  
 نیم<sup>(۴)</sup> بتم نیم جفت شوگار سر و کارم به فارو برد<sup>(۵)</sup> و ابید

## آب بازفت

آب بازفت<sup>(۶)</sup> تند و بی گذاره به هر توف هو صد کوه مناره<sup>(۷)</sup>  
 یوراز مندگاری بیدسیمون<sup>(۸)</sup> همیشه رود<sup>(۹)</sup> خود شمن شکاره

## دیو حصار

مو آه سیئه سرد منارم مو شونم زیر ارس کوهسارم  
 موچی بالنده<sup>(۱۰)</sup> بال اشکتاده اسیر پنجه دیو حصارم

- |                        |  |
|------------------------|--|
| ۱- مگر نکته            | ۲- زیانم                               |
| ۳- جایگاه              | ۴- چشم                                 |
| ۵- سنگ و چوب           | ۶- رودخانه بازفت یکی از رشته‌های کارون |
| ۷- کوه منار در بختیاری | ۸- بر ایمان                            |
| ۹- فرزند خوب           | ۱۰- پرنده                              |

www.Bakhtiaries.com

## خنجر قلم

بیبا! روزی قلم آبوهه<sup>(۱)</sup> خنجر به شره سینه دیو ستمگر  
 کرد مدر بر سم پهلوانی سرود قهرمان خونن از بر

## وقت تنگه

شسو تاریک واجونم به جنگه دلم ناسازه!<sup>(۲)</sup> مندییر تفنگه  
 یورش کی دی به ای شراییری تو بگو گوئل بجهمن<sup>(۳)</sup> وقت تنگه

## اجاق شیر

اجاق شیرایگون کور و ابید پیلنگینه شغالی زور و ابید  
 یزن تش تاگرومه<sup>(۴)</sup> گرگ زی گه چراغ آسمون بی نور و ابید

## صد مرد جنگه

به هر جا پا بشی جا پا پلنگه صدائی<sup>(۵)</sup> اورییشنی<sup>(۶)</sup> از تفنگه  
 یونه<sup>(۷)</sup> کهسارایگون مرندونتی پس هربرد هو صد مرد جنگه

۲- حرکت کنند

۱- بنود

۴- فرار کند

۳- حرکت کند

۶- بشوی

۵- اگر

۷- اینست

## طلسم بیکسی

طلسم بی‌کسینه اشکنادم<sup>(۱)</sup> به دشت پاک انتو پانهادم  
 دو رودی گویش شیطون کرای بینی که وا شهر پیایی<sup>(۲)</sup> دست دادم

## بختیاری

بدی از بختیاری گو جدایه خدادونا که ایلی بنا صفایه  
 ایرکه پاس<sup>(۳)</sup> بوفته، بختیاری همه ایرونه کُرس تک، که خدایه

## باد شمال

گل عشقم آئیده نقش قالی ز شادیها دلم آئیده خالی  
 نه هیجارم رسه گوش پیایی خوردی ته هد از باد شمالی

## چَواسه<sup>(۴)</sup>

چنو آبیلهای دنیا چَواسه که آدم ایکنه گم رس و پاه  
 کرای بینی<sup>(۵)</sup> و نه می پشت شونا ولی دهر کنه نیچی پلاسه<sup>(۶)</sup>

۲- شهر متباران

۴- بر عکس

۶- گیسواننی را

۱- شکسمن

۳- اگر بابش بیفتد

۵- می اندازد

## آشناتر

هدم از خنده گل بنا صفا تر      ز داس برزگر درد آشناتر  
ولی افسوس هر روز خدا، تو      ز روز پیش ایبوی<sup>(۱)</sup> بیوفاتر

## باغ بهشت

نیان ایگوی گل باغ بهشته      لوانت<sup>(۲)</sup> صدنیستون فنا کشته  
ز برگ کجمدار چسی کمونت      اویله تیری و جونم برشته

## بهار سبز

وُریسته<sup>(۳)</sup> اریه امشو<sup>(۴)</sup> یغتم از خو      کیمیم تندر نوم<sup>(۵)</sup> مثل افتو  
گرم دست بهار سوز جونم      نشینم ورمته که بال برتو<sup>(۶)</sup>

## هفت اقلیم

گلی دارم سی مردم<sup>(۷)</sup> چی دوا به      به هفت اقلیم عشقم پادشایه  
بهار ریس لر پرشونم<sup>(۸)</sup> آبرو      زلال ایگوی به دریا پانهاده

۲- لیانت

۱- میسوی

۳- برخیزد

۲- برخیزد

۶- آب برف

۵- اسب را تند میرانم

۸- شبنم

۷- مثل

### دشت چویل<sup>(۱)</sup>

چنوشل کرد من ری ترنه‌هامه<sup>(۲)</sup> ایگوی دشت چویلی زیر پامه  
هلاکم کرده و روز رسه<sup>(۳)</sup> نیلوم همیشه روز روشنا شونه‌هامه<sup>(۴)</sup>

### خارستون

ایر ارسم<sup>(۵)</sup> به رخسارت نشینم گل ارچینم گل باغ تو چینم  
بهارن واتو اینخوم، بی توای گل همه دنیانه خارستون ای بینم

### آتش فشون

ستمکاری مونه بی آشیون کرد دلم پر داغ چی آتشفشون کرد  
گدا اینخوم<sup>(۶)</sup> مرهم درد تو ابوم بهار آرزو‌هامه خزون کرد

### کویر

دلم بی تو ز شادبها به دیره که بی تو دشت جونم چی کویره  
شومتونم بهشته و اخیالت ولی بی تو همه دنیا کوچیره<sup>(۷)</sup>

### دشت عشق

موتیگی<sup>(۸)</sup> آسمونن بومه دادم به دشت پاک عشقت پا نهادم  
همه دنیا شو ستونه به پیشم تو روز روشنی پیش تو شادم

۱- سیزی کوهی که در برفها می‌روید

۲- گیسوان تاب داده

۳- رویش و اندیدم

۴- شب بدنیالش

۵- اگر اشکم

۶- گفت می‌خواهم

۷- کوچک است

۸- من پیشانی آسمان را بومه دادم

## ای وطن!

www.Bakhtiaries.com

سروده: احمد عبدالهی موگوتی بختیاری

بستوم<sup>(۱)</sup> خلائند ایرون زمین  
 وطن! ای وطن جونس ای وطن  
 وطن تا بستن دارم ای جون پاک  
 مویرونیم شیرشت<sup>(۲)</sup> خوردم<sup>(۳)</sup>  
 سر موزنوم تو هلم سر بلند  
 بستو چپ نیش<sup>(۴)</sup> ارکه بیگونهای  
 لبیلن<sup>(۵)</sup> و<sup>(۶)</sup> کمرگت<sup>(۷)</sup> ناخلف  
 نوشتن و تاریخ نسومت<sup>(۸)</sup> به زر  
 چس زاگروس هندی<sup>(۹)</sup> محکم و استوار  
 خانا اوزمونی که خشتت نهاد  
 و تبارتونه چس<sup>(۱۰)</sup> دماوند وند  
 کیومرث اول دادخواه تو بید  
 نخستین<sup>(۱۱)</sup> پیمبر که ای پردشت<sup>(۱۲)</sup>  
 فرارون منت<sup>(۱۳)</sup> پیرو پیغمبر!

که ایرونه کرده بهشت برین  
 به هیجار تو می ایپوشم کفن  
 چس جمونم عزیزه گه و دشت و خاک  
 زندانی<sup>(۱۴)</sup> که وادرد پرورده  
 سره شسمنوت ایارم به بند  
 ایادر<sup>(۱۵)</sup> و یاد مردی زهر حونهای  
 که حین<sup>(۱۶)</sup> رهانه هرزبون سی هلف  
 سرافراز بیلن<sup>(۱۷)</sup> پلور در پلور  
 سر جا بملنی<sup>(۱۸)</sup> چنورد قرار  
 نوم پاک تون آرمائی نهاد  
 چس منگت<sup>(۱۹)</sup> و کینو<sup>(۲۰)</sup> که سر بلند  
 کیومرث او دوره شاه تو بید  
 نویس<sup>(۲۱)</sup> و ابهین دین گسلی زرد هشت  
 خراسون! رضا هشتمین اختره

- |  |   |
|--|---|
| ۱- بنام                                | ۲- شیر در تو                              |
| ۳- خوردهام                             | ۴- مادری                                  |
| ۵- نگاه کرد                            | ۶- در میآید                               |
| ۷- بخدا نبودند                         | ۸- پران تو                                |
| ۹- خون ریخته‌اند                       | ۱۰- نامت                                  |
| ۱۱- بودند                              | ۱۲- هنی                                   |
| ۱۳- بماندی                             | ۱۴- مانند                                 |
| ۱۵- منگت کوهی است در شمال شهرستان ایذه | ۱۶- کینو کوه سرچشمه رودخانه در در بختیاری |
| ۱۷- گذاشت                              | ۱۸- نامش را زردشت نهادی                   |
| ۱۹- نامش                               | ۲۰- در تو                                 |



وطن خاک تو<sup>(۱)</sup> هد بهشت برین  
 وطن آریانوم ایرون زمین  
 وطن جایگاهی تو از کیقباد<sup>(۲)</sup>  
 نو سوری ز غین سیارش هنی<sup>(۳)</sup>  
 تو هوشنگ و کوشش منت<sup>(۴)</sup> دانه چون  
 نو گهوارا به عقوب لیسی چون  
 همس<sup>(۵)</sup> پروردی تو نوم آرون  
 اورو خاک تو شیر نو پرورد  
 سر بر برقت بیلهی ولایار  
 خاناتوس بیله همه مردیت  
 ز گپ<sup>(۶)</sup> تا کوچیر<sup>(۷)</sup> تو بین خوش نهاد  
 دم پاکرت و سد<sup>(۸)</sup> والارین  
 می<sup>(۹)</sup> اسلام ناب و حریم قرون  
 وطن تا که بویه<sup>(۱۰)</sup> به تمنون رمق  
 وطن تا بهر جا که ری ایکنم  
 وطن شادمون همیشه سنت<sup>(۱۱)</sup>  
 به چهره<sup>(۱۲)</sup> برم نیت و واگوشه

ز گه تا به دشت گل هنین  
 به فلکای بیرون تو تا به چین  
 که منته چنارس<sup>(۱۳)</sup> له سرد بید  
 کسه دیره ز تو دس اهریسی  
 ز دیون نشوشتن ز تو دانتون  
 ز پسر و پسر و دارا و نوشیرون  
 خراج ایگر<sup>(۱۴)</sup> هلی ز کسل جهون  
 ز مسردونگی و رجیلهونا سر  
 ز عهد قدیمت نه پیار و پار  
 سرانرازی بید و ز سوتا نومت<sup>(۱۵)</sup>  
 به کب<sup>(۱۶)</sup> شجاعت، به هلی و به داد  
 ذوالاکتال شاپور گوردکن  
 بیلان بهر جا که گهنی<sup>(۱۷)</sup> تو، چون  
 سر و جسون کنیم هدیه در راه حق  
 هوار<sup>(۱۸)</sup> توه سیرنهی<sup>(۱۹)</sup> ای کتم  
 به رنجک<sup>(۲۰)</sup> داریم لب<sup>(۲۱)</sup> و شمت  
 به شلم<sup>(۲۲)</sup> ایسرنم<sup>(۲۳)</sup> ز سر هوشه

- ۱- منت
- ۲- کیقباد
- ۳- چنار کیقباد در قلمه سرد مشرق ایذه قرار دارد
- ۴- تو از خون سیاوش هنوز سرخ رنگی
- ۵- دادند
- ۶- همه اش
- ۷- میگرفتی
- ۸- بزرگ
- ۹- بزرگ
- ۱۰- نوسعه بسط
- ۱۱- ۱۲- برای
- ۱۲- گفنی
- ۱۳- غبار
- ۱۴- باشد
- ۱۵- سرمه چشم
- ۱۶- در تو
- ۱۷- چشم
- ۱۸- ۱۹- وسیله فلزی مثل کارد کج که بان هلق می چیند
- ۱۹- ۲۰- بهی نیز و یزند که پشم گوسفند را میزند
- ۲۱- ۲۲- به شتم

بسه سهرارو گودرز و بهرام نیو	بسه ارواح کسبخر و طوس و گویو
بنادر که انفتون <sup>(۲۴)</sup> و رخسار سپرد	بسه اورنگ جمشید و شاپور گرد
بسه بهرام چوبسین به اسبندیار	بسه تمیغ نریمون و مام سوار
نهایه <sup>(۲۵)</sup> گرهلان به گه و دره	بسه ارگه نشینون که اسکناره
که بردن منه خاک <sup>(۲۶)</sup> شه رهزنت	بسه کلاه به او آریو پرزنت
که دانه <sup>(۲۷)</sup> زمردی بره تو چون	بسه بابک به بومسلم قهرمون
که چسی انتوی در جهون بید پشخ	بسه شمیر زتم کر تاج بشخ
که غلوه <sup>(۲۸)</sup> منس <sup>(۲۹)</sup> هد تاعر چی خم <sup>(۳۰)</sup>	بسه او بختیاری به ایلس قشم
که <sup>(۳۲)</sup> مین جنگ هشتن <sup>(۳۳)</sup> سرو چون بیات	بسه ایلی دلاور سوار نهان <sup>(۳۱)</sup>
سرو چوتته حین بهان <sup>(۳۴)</sup> ایکنیم	که ایما سرو چون نلالت ایکنیم
بزر <sup>(۳۵)</sup> دروش خمدانسی تون	همه بختیاری نلالتی تون
بیات ره لاله ای گسل <sup>(۳۷)</sup> آرمون	نسموسون <sup>(۳۶)</sup> درین نلالت ز چون
نخردی <sup>(۴۰)</sup> هوشیری زدا <sup>(۳۱)</sup> بختیار	اپر <sup>(۳۸)</sup> خانی بید <sup>(۳۹)</sup> زسون و ادیار
بسی دین و ابرون گشودن <sup>(۴۲)</sup> ز چون	تسم خسرده احمد که ای دردمون
کی <sup>(۴۵)</sup> خوش هشت <sup>(۴۶)</sup> زینون <sup>(۴۷)</sup> شعار بونه	خویه <sup>(۴۳)</sup> سر نرازا که دارا <sup>(۴۴)</sup> مونه

۲۴- افغان	۲۳- میبرانم
۲۶- خاک سیاه	۲۵- جلوش را گرفتند
۲۸- زیاد	۲۷- دادند
۳۰- خردم	۲۹- در آن هشت
۳۲- در	۳۱- سوار پیشمرگ
۳۴- خونبها	۳۳- گداشتند
۳۶- تمامشان	۳۵- درفش
۳۸- اگر	۳۷- ریختند
۴۰- نخورده بود	۳۹- بود از آنان
۴۲- میگفتند	۴۱- مادر
۴۴- مرا دارد	۴۳- زادگاه شاعر
۴۶- نهاده	۴۵- که خودش
	۴۷- روی زبان

اثر : عبدالعلی خسروی «قائد بختیاری»

www.Bakhtiaries.com

## برد و باخت

این شعر گویشی مبنای شانس و اقبال است که البته تگایرنده زیاد به آن پای‌بندی ندارم. منتهی چون یک سنت فراگیر ایللی است به احترام این سنت شعر برد و باخت را با لهجه بختیاری سروده‌ام و برامستی خیلی از پدیده‌هاست که دانش در شتاسائی آن توفیقی نیافته و از آن دست می‌باشد وجود شانس در زندگی انسانها که نه میشود درباره آن باور داشت و نه میشود آن را زد کرد بهر حال اینهم شعر برد و باخت

دشمن لر تیسیم ننداره یار غمخوار ایبوه	بخت ایبر واکس بسازه دشمنس یار ایبوه
اوسو بیینی لیش تر از لیشیگه خار ایبوه	بسادسام روزگار اروست بچون شاخ گل
اوسخا اوسا رضایچی لچه پروزار ایبوه	آرگسه آذم زیپردی غرد و طاق آسمون
نیره ناریکی و نه یهؤکی سلاز ایبوه	آرکه وامس بو بخت بیداری کزوش مس زمون
روز ریشنام ز سختس جور شوگار ایبوه	هر کی آفتوچی ملک زیدس که بی وارس نکرد
گاهی ام بیچی سر حرگل چی اوسار ایبوه	ریشتن مسی گاهی ایبو بندگیس گلسا
ارنه فسحاکی ز انکم داپهو مار ایبوه	شانس ایبر کهذکی گر تبعته ایبو رستمی
بسا قفس با چو فلک با چو خل دار ایبوه	باغون اوسد بباره هر درختینه نشوند
ار سهیلس بسر مسداره کوه کلار ایبوه	می سناره هر کی بوهه چی کچو چوک دم با رو
ارنه چی آجیونقلی فرمونبروار ایبوه	آقلو اسسم ار پیاره ابرمه تا خان ایل
چشم ایرون میرد میدون شیر کههار ایبوه	میرد ایل بختیاری لر که سختس یار بو

مبن بازی «قائد خسروه» ابر ری شانس بو

برد مینس کار ساز دشت هیچار ر ایبوه

www.Bakhtiaries.com

## انجمن شاعران بختیاری

چند سالی است که هر پانزده روز یکبار انجمن شاعران بختیاری به تلاشهایی برخاسته و بسبب نداشتن جا و مکان مناسبی برای برگزاری جلسات خود در خانه‌ها این همایش انجام میگیرد و بسبب نداشتن هیچ نوع وابستگی سیاسی و اجتماعی از لحاظ مالی در تنگنا میباشد؛ شبک نیست که همه انجمن‌هایی از این دست درگیر مسائل مالی و کمبودها هستند ولی وضع ما با دیگران این فرق را دارد که بسبب داشتن خوی ایلی صورت خود را با سیلی سرخ میکنیم و حتی از دریافت کمکهای همیاران خود هم دریغ میکنیم مسئله عضوگیری و دریافت شهریه هم موکول به آنست که انجمن به ثبیت برسد و بتواند زیر یک عنوان اصولی فعالیت نماید که متأسفانه دو سالی است در خم و پیچ مقررات اداری گرفتاریم، نتیجه کارهای انجام شده تا به امروز بنظر خود ما چشمگیر است و علاوه بر اینکه همایش شاعران در جلسات شعر موجب برانگیختن انگیزه شاعران در خلق آثاری به گویش بختیاری گردید بلکه شاعران گمنامی که در گوشه و کنار بسر میبردند بجمع ما پیوستند از سوی دیگر چاپ و انتشار کتابهای چندی را در زمینه تاریخ و فرهنگ بختیاری در برداشت که هر چند نارسا و بی انسجام ولی روی هم رفته قلمهائی که زده شده و گامهائی که برداشته شده در خور امعان نظر میباشد.

لذا با نوبدی که از سوی فرهنگ و ارشاد استان اصفهان داده شده بزودی صدور پروانه عملی و فعالیت انجمن رسماً آغاز خواهد شد و احتمالاً توانسته باشیم به‌مراه انجمنهای دیگری که با ما در ارتباط باشند شروع به فعالیت نمائیم همانطور که فرهنگسرای بختیاری بزدانشهر با همت و پشتکار همیار عزیزمان آقای اقبال صالحی شروع به فعالیت نمود و فرهنگسراهای فولادشهر و زرین شهر هم با یاری برادران سادات سید صالح آقایان کریمی و آدینه‌پور در شرف شکل‌گیری میباشد این انگیزه باید ملکه ذهن ما باشد که هر جا برویم و اقامت کنیم در جستجوی هویت و پیدا کردن یاران و همیاران خود باشیم. و با آشنائی با

سایر انجمنها به برافراشتن نام عزیز بختیاری توفیق پیدا کنیم در سالی که گذشت دعوت از دانشوران انجمن حمایت از فرهنگ ایراتزمین به سرپرستی جناب آقای دکتر حسین احمدی و همراهی خانم دکتر فریده معتکف که بر ما منت نهادند و روی عناصر بختیاری به پژوهش برخاستند و همچنین حضور جناب آقای دکتر فریدون جنیدی سرپرست بنیاد نیشابور و ایرانشناس مسلم معاصر در انجمن و رهنمودهای ایشان در زمینه بازشناسی هویت تاریخی سرزمین بختیاری و سخنرانی پر بارشان تحت عنوان «بختیاری و گنجینه فرهنگ و هنر ایراتزمین» و حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله جناب آقای دکتر علی قنبری و رجال نام‌آور بختیاری از گوشه و کنار کشور از جمله گامهای ارزنده‌ای بود که بهت انجمن شاعران بختیاری برداشته شد بقول شاعر:

باش تا صبح دولتش بدمد      کاین هنوز از نتایج سحراست

استقبال بختیارهای درون مرزی بویژه برون مرزی که وسیله بردن نوارهای ویدیویی شبهای شعر و همایشهای مختلف بکشورهای کاتادا، فرانسه، سوئد، انگلستان، آلمان و آمریکا، که هر مسافر بختیاری بعنوان ره آورد بهمراه خود برد آثار مثبت خود را نشان داد شک نیست که ما همواره روی پای خود ایستاده‌ایم و سعی میکنیم بدور از جتجالهای سیاسی کار ما صرفاً روی فرهنگ و عناصر آن دور بزنند و میدانیم که وابستگیهای سیاسی شکنده اجتماعات فرهنگی میباشد، ما که ستونهای ارجمندی مانند سیزه کوه و زردکوه استوار و همیشه بر جا را برای تکیه زدن داریم دریغ است که بجای دیگری متکی باشیم و اگر روزی دست نیاز مالی قرار است بسوئی دراز کنیم تا بنیان کارهای فرهنگی ما ریشه بگیرد همان اعتباران بختیاری است که به آن افتخار میکنیم، حضور استادان ارجمند دانشگاهها و دانشجویان بختیاری در این مراکز عالی بما قوت و نیرو می‌بخشد که برای نمونه شعر استاد گرامی جناب آقای دکتر محمد مهدب را که فی‌المجلس در یکی از جلسات شعر خوانی بختیارها سروده‌اند شاهد می‌آوریم به امیدی که در آینده نه چندان دور مرکز فرهنگی ما پایگاهی باشد برای همه علاقمندان به فرهنگ و شعر و ادبیات سرزمین بختیاری که همواره به آن عشق می‌ورزیم.

## تقدیم به شعرای عزیز بختیاری

«دکتر محمد مهذب»

عضو هیأت علمی دانشگاه

امشب، شبِ نسور و ماهتاب است  
 امشب، شبِ رقص و پایکوبی است  
 آهسته‌آهسته ز نیلار غنون را  
 بیدار شود اگر از این خواب  
 جمعی ز فحول بختیاری  
 جشنی ز وفا بپا نمودند  
 شایسته قدر و قدر دانی است  
 اشعار، بسه گویش محلی  
 بخشنده عشق و نور و گرمی  
 آنکس که دهد چو مهر، گرمی  
 فیضی که رسد ز محضر دوست  
 از شادی خود به دیگران بخش  
 غیر از ره دوست ای «مهذب»  
 وقت زدن دف و ریاب است  
 مار از تالم، اجتتاب است  
 چون چشم عن هتوز خواب است  
 نقش من و دوستان بر آب است  
 آنانکه رفیقشان، کتاب است  
 جشنی که معطر از گلاب است  
 چون در خورشان شیخ و شاب است  
 ارزنده تراز دَر خوشاب است  
 بر قلب زمانه آفتاب است  
 در متن زمانه کامیاب است  
 از لطف عمیم بو تراب است  
 کاین فلسفه حیات تاب است  
 سپارهی که تا صواب است

او<sup>(۱)</sup> کوثر

عبدالعلی خرویی «فائد بختیاری»

بارلائی که همه خلق تو فرمون برتن  
 اریایل<sup>(۲)</sup> که دلاونه پاریا ایزن  
 سرورونی که کله سون<sup>(۳)</sup> منه خورشیدتونه  
 گلتوارون که منی جوریهشتی تسلیم<sup>(۴)</sup>  
 افنو و مه که ز سیمغ تو بالائاران<sup>(۵)</sup>  
 صد فریدون که به ضحاک توشوخین<sup>(۶)</sup> ایزن  
 عفر نرهاد فلکزیده و مجنون کسلو<sup>(۷)</sup>  
 چونوای لریجیل و اتونزنگن<sup>(۸)</sup> که گلی  
 هرچی دیون تم پیشه گرومن<sup>(۹)</sup> ز نومت  
 تکمـولارون دلارر بمنه ایل خمون  
 بختیاری زوجـودتویه اشکستن یث  
 ای به تربون تو واسون نه که نیگت<sup>(۱۰)</sup> کریو  
 به قرنگی همه جا هرچه ادی! خیفم ایما

ریزه خسارون سرسره<sup>(۱)</sup> خشک و ترن  
 تشنه حردن<sup>(۲)</sup> جومی زاو کوثر تن  
 سروخاک تو ایسامن<sup>(۳)</sup> که همه نوکرتن  
 سی تو بیرنگ و غرورن که کتیز در تن  
 چسی پلشتوکن<sup>(۴)</sup> و زیرخط بال و پرتن  
 زیر چرمین هلم کاوه آهنگر تن  
 دس غمنومه نویس تلم و جوهرتن  
 خط امیدی و شو رنگی چوقا روتن  
 بخت یارون تو مندیبر<sup>(۵)</sup> شو محشرتن  
 تا قیومت به رکودلری پیغمبرتن  
 همه هم تپپ براهیم کسرآذرتن  
 تا کسنی رشه بیداد نه همسنگرتن  
 مرتلونی که نپشتن تونه بل کاترتن

۲- سفره خشک و نرت هستند

۴- خوردن جام

۶- می سایند

۸- می روند

۱۰- شیبخون

۱۲- نزد بکنند

۱۴- منتظر

۱- آب کوثر

۲- آن مردم

۵- کلاهشان در خورشید نبت

۷- چشمانم

۹- پرستو

۱۱- دیوانه

۱۳- می گریزند

۱۵- پیشانیست در هم باشد

مرنگهدی به فرونا<sup>(۱)</sup> که بمیدون حصار  
ذوالفقارن بکش و بنگ علی کن که بیو  
غیرتم نیکنه برادنگ<sup>(۲)</sup> مدم تا بینم  
نازم ای گوئل دُخروته که شُرگ تو کنن<sup>(۳)</sup>  
کشته اولاده سریم زدم ختجرتن  
ارکه هیجار بیاری همه شیرترتن  
تونه وایهه دشمن که بدور مرتن  
بنیرهمته! وادس پستی<sup>(۴)</sup> یاووتن

### «عرض حال لر به خداوند»

داراب رئیسی بختیاری

ای خسنائی که بمن<sup>(۵)</sup> حسوه<sup>(۶)</sup> دل  
آفریدی نو همه دُنیا<sup>(۸)</sup>  
تسا که چار میخ پسته<sup>(۱۰)</sup> دنیا  
تا گل شهز پدایه<sup>(۱۳)</sup> ز زمین  
تسا که گل خسته به بلبل پزین  
لدم خلاق پکزی راگیل<sup>(۱۶)</sup>  
به دوگمچه<sup>(۲۰)</sup> گیل وئی<sup>(۲۱)</sup> پالّه آز<sup>(۲۲)</sup>  
دیسمن و آزادی و ایسمون<sup>(۷)</sup> دادی  
به ولایت<sup>(۹)</sup> سر و سامون دادی  
به زمین بسزد<sup>(۱۱)</sup> و گه پستون<sup>(۱۲)</sup> دادی  
آفتو<sup>(۱۴)</sup> و گرس ربارون<sup>(۱۵)</sup> دادی  
ای همه باغ و گیلستون دادی  
اَس<sup>(۱۷)</sup> پِن<sup>(۱۸)</sup> قییت انسون<sup>(۱۹)</sup> دادی  
سرودست و آسو<sup>(۲۳)</sup> و دنلون<sup>(۲۴)</sup> دادی

- |                               |                              |
|-------------------------------|------------------------------|
| ۱- کتاب آسمانی                | ۲- حرف نزنم                  |
| ۳- شکر ترا می کنند            | ۴- با دست تهنی پاور تو هستند |
| ۵- دره نوی                    | ۶- خانه                      |
| ۷- پیمان                      | ۸- دنیارا                    |
| ۹- به ولایت                   | ۱۰- پماند                    |
| ۱۱- سنگ                       | ۱۲- کوهستان                  |
| ۱۳- تا گل سرخ در بیاید، بروید | ۱۴- آفتاب                    |
| ۱۵- باران                     | ۱۶- با گل                    |
| ۱۷- آنوقت                     | ۱۸- به او                    |
| ۱۹- انسان                     | ۲۰- ملاقه                    |



پس غم و غمّه دو چتون دادی	خلق کردی هُبه <sup>(۲۵)</sup> تا واگیل عشق
پس گُل و غنچه و ریحون دادی	بُردی اُون <sup>(۲۶)</sup> به مِنِ بساغ بهشت
تو هُبه بشون <sup>(۲۹)</sup> شیطان دادی	دنگ <sup>(۲۷)</sup> لؤل که به روزش <sup>(۲۸)</sup> بردی
پس <sup>(۳۱)</sup> دو تَسا حُوشه وادُون <sup>(۳۲)</sup> دادی	تَلَنَه <sup>(۳۰)</sup> به مِنِ بساغ بهشت
بِه هُو <sup>(۳۴)</sup> لولاد فراوان دادی	بِسنگول <sup>(۳۳)</sup> که ز شیطونت خورده
بُردی <sup>(۳۶)</sup> و زال <sup>(۳۷)</sup> رهلی <sup>(۳۸)</sup> خون دادی	مِنِ دادی <sup>(۳۵)</sup> پس و آقیطاس
هیله <sup>(۴۱)</sup> و برفی <sup>(۴۲)</sup> و رحمون <sup>(۴۳)</sup> دادی	احمد سَخَمَلی <sup>(۳۹)</sup> و میرداس <sup>(۴۰)</sup>
اهلی <sup>(۴۷)</sup> باز و سلیمون <sup>(۴۸)</sup> دادی	مُحَمَّد <sup>(۴۴)</sup> و مهر <sup>(۴۵)</sup> علی و شهروز <sup>(۴۶)</sup>
بیردل اقرورز <sup>(۵۷)</sup> و پریجون <sup>(۵۳)</sup> دادی	گل طلا <sup>(۴۹)</sup> مابری <sup>(۵۰)</sup> و شاملطون <sup>(۵۱)</sup>
که نرجاسون <sup>(۵۵)</sup> به تهرود دادی	بِساتر گَسوئیل <sup>(۵۲)</sup> سو مِنِ شَهرون

۲۱- یک کاسه	۲۲- آب
۲۳- لب	۲۴- دندان
۲۵- او را	۲۶- بردی او را در
۲۷- بساگ	۲۸- به روزش آوردی
۲۹- تو او را به شیطان نشان دادی	۳۰- نماد
۳۱- به او	۳۲- خوشه یا دانه
۳۳- فریب	۳۴- به او لولاد فراوان
۳۵- مرا دادی به او	۳۶- تماماً اسامی مردان بختیاری
۳۷- تماماً اسامی مردان بختیاری	۳۸- تماماً اسامی مردان بختیاری
۳۹- تماماً اسامی مردان بختیاری	۴۰- تماماً اسامی مردان بختیاری
۴۱- تماماً اسامی مردان بختیاری	۴۲- تماماً اسامی مردان بختیاری
۴۳- تماماً اسامی مردان بختیاری	۴۴- تماماً اسامی مردان بختیاری
۴۵- تماماً اسامی مردان بختیاری	۴۶- تماماً اسامی مردان بختیاری
۴۷- تماماً اسامی مردان بختیاری	۴۸- تماماً اسامی مردان بختیاری
۴۹- اسم زن در بختیاری	۵۰- اسم زن در بختیاری
۵۱- اسم زن در بختیاری	۵۲- اسم زن در بختیاری
۵۳- اسم زن در بختیاری	۵۴- برادران من

همه مُون <sup>(۵۶)</sup> بنده و مخلوق نُتیم <sup>(۵۷)</sup>	تو به ایما <sup>(۵۸)</sup> همه مون چون <sup>(۵۹)</sup> دادی
ای خلدانی که دلم پیشِ تَنِه <sup>(۶۰)</sup>	اَئی که بُم <sup>(۶۱)</sup> عِزّت را ایمون <sup>(۶۲)</sup> دادی
تا که حرفِ وُلَمِ سِیْتِ <sup>(۶۳)</sup> بزَم	حُتْ به موکَنگ <sup>(۶۴)</sup> و سر و زون <sup>(۶۵)</sup> دادی
حُتْ <sup>(۶۶)</sup> گُلی <sup>(۶۷)</sup> حرفِ حُتُونِ <sup>(۶۸)</sup> بزُئینِ <sup>(۶۹)</sup>	ای حقی حُتْ به سلْمون دادی
نَزْکِه <sup>(۷۰)</sup> ایما همه نَلِ یِ <sup>(۷۱)</sup> بویم	اَزِیْمون <sup>(۷۲)</sup> هِستی یِکسون <sup>(۷۳)</sup> دادی
سی چه <sup>(۷۴)</sup> پَ به گُویِلِ شَهریمون <sup>(۷۵)</sup>	مِلک و میراثِ نَراوان دادی
مو خجالتِ اِکْشَمِ <sup>(۷۶)</sup> اَزْکِه بَگَم <sup>(۷۷)</sup>	سَلْمَم اونسون <sup>(۷۸)</sup> تو پنهون دادی
به هور <sup>(۷۹)</sup> چی که بِلَسِ <sup>(۸۰)</sup> خواست ویمو <sup>(۸۱)</sup>	یَه دوتا یَزِدِ <sup>(۸۲)</sup> بیارون <sup>(۸۳)</sup> دادی
به هوسد دستِ لَواینِ <sup>(۸۴)</sup> زَرِنُتْ	به موگُردینِ <sup>(۸۵)</sup> رَیِ کِهورنِ <sup>(۸۶)</sup> دادی
تا چیا مون <sup>(۸۷)</sup> بَیْسِ <sup>(۸۸)</sup> واندریم	خوچیاهی <sup>(۸۹)</sup> به دو تسامون دادی

۵۵- جایبان	۵۶- همه ما
۵۷- تو هستیم	۵۸- ما
۵۹- جان	۶۰- تو است
۶۱- به من	۶۲- ایمان
۶۳- برایت	۶۴- خودت به من حرف زد
۶۵- زبان	۶۶- خودت
۶۷- گفنی	۶۸- خودتان را
۶۹- بزید	۷۰- اگر ما
۷۱- یک پدریم	۷۲- اگر به ما
۷۳- یکسان	۷۴- پس چرا
۷۵- به برادران	۷۶- می کشم
۷۷- اگر که بگویم	۷۸- آنان
۷۹- به او هر چیز	۸۰- دلش
۸۱- به من	۸۲- سنگ
۸۳- بیابان	۸۴- لباس
۸۵- پوششی از جنس تمد	۸۶- فلما سنگ، فلاخن
۸۷- وسایلمان	۸۸- تویش

به سوئی (۹۱) خوج ری همیون (۹۲) دادی	به هوگا صنوق (۹۰) و بانگو ملی
به سوئی گوئی (۹۶) غزلخون دادی	به سوئی فالو (۹۳) لیش (۹۴) و نغین (۹۵)
به سو سرمای زمستون دادی	به هواژ (۹۷) گرم کن و آز سردکن و یخ
سی سلاطین (۱۰۰) هو درمون (۱۰۱) دادی	گرمو (۹۸) تُرد زسکی کُغنی (۹۹)
به سو کاخ و باغ بستون دادی	به سو چاتولی و ساندالی (۱۰۲)
به سو برق و گاز لرزون دادی	به سوئی هیو (۱۰۳) وی چاله (۱۰۴) سرد
به سو پلوار و خسیابون دادی	زه دیپارت (۱۰۵) و بازفت به سو
به سو طیاره و پالون دادی	سی (۱۰۶) سواری نخس (۱۰۷) اولادین (۱۰۸)
به یکی قاطر و پالون (۱۱۱) دادی	به سن (۱۰۹) هر در هزار تازیم (۱۱۰)
به سو هم بایم (۱۱۳) سامون (۱۱۴) دادی	خشکبار سو بلیط (۱۱۳) بازفت
به سو صد حونه (۱۱۶) چسرافون دادی	به سو نور نه و دید (۱۱۵) چاله
به سو صد کاخ به شمرون (۱۱۹) دادی	لر (۱۱۷) بازفت نهادی سی (۱۱۸) سو

۸۹- خوب چیزهایی	۹۰- به او گاو صنوق
۹۱- به من یک	۹۲- همبانه‌انبان
۹۳- پیرزن	۹۴- بد
۹۵- دارای بینی بزرگ	۹۶- به او یک کبک
۹۷- آب گرم کن	۹۸- پسر من
۹۹- از بس که سرفه کرد	۱۰۰- سرطان
۱۰۱- درمان	۱۰۲- سایه‌بان
۱۰۳- به من یک همیزم	۱۰۴- اجاق خاموش
۱۰۵- در ایل راه بزرگ بیلاق و فسلان بختیاری	۱۰۶- برای
۱۰۷- خودش	۱۰۸- اولادش
۱۰۹- در بین	۱۱۰- از ما
۱۱۱- پالان	۱۱۲- بلوط منطقه بازفت
۱۱۳- بادام	۱۱۴- سامان
۱۱۵- دود که از همزه‌های درون گودال بر می‌خیزد	۱۱۶- خانه
۱۱۷- جنگل منطقه بازفت	۱۱۸- برای من

به مویه دونگ زاصفا هون <sup>(۱۲۰)</sup>	بسه موهم گبر تلاحون <sup>(۱۲۱)</sup> دادی
بسه حال هزارون شکر ت	که به ایما <sup>(۱۲۲)</sup> لو خندون دادی
ئی دلی <sup>(۱۲۳)</sup> پاک، پیراز مهر و صفا	چی <sup>(۱۲۴)</sup> صفائی که به مهمون دادی
ایگنم <sup>(۱۲۵)</sup> شکر که پیروزی <sup>(۱۲۶)</sup>	آخیش <sup>(۱۲۷)</sup> دست مسلمون دادی
بسمیل امت اسلامی تون <sup>(۱۲۸)</sup>	میل بتیان کن و طوفون <sup>(۱۲۹)</sup> دادی
تسا که ویرون <sup>(۱۳۰)</sup> یکنین کاخ ستم	خشم چی میل خروشون دادی
بسه ستم شاهی و طاغوت و ستم	ای خلدونند تو پایون <sup>(۱۳۱)</sup> دادی
شکر ت ایگنم <sup>(۱۳۲)</sup> که به طرابه خمون <sup>(۱۳۳)</sup>	غم در دهنه <sup>(۱۳۴)</sup> آسون دادی
عرض حال منو <sup>(۱۳۵)</sup> تاشن تو بده <sup>(۱۳۶)</sup>	دقتر شعر و قسملمون دادی

www.Bakhtiaries.com

۱۲۰- اصفهان را

۱۱۹- شمیران

۱۲۱- کوهی است در تنگ گزی، و پیروی دوستای کیکاروس در بخش شوراب تنگزی

۱۲۳- بک دلی

۱۲۲- بد ما

۱۲۵- می گنم

۱۲۴- مثل

۱۲۷- در نهایت

۱۲۶- پیروزی را

۱۲۹- طرفاز

۱۲۸- املامیمان

۱۳۱- پایان

۱۳۰- ویران بکنند

۱۳۳- خودمان

۱۳۲- می گویم

۱۳۵- مرا

۱۳۴- آسون دادی

۱۳۶- نا در پیشگاهت بیان کند

## عباس ارشاد (دارایی ناغانی)

شعر «ورنگفتی» و «ارس خاک» دو شعر از سروده‌های عباس ارشاد شاعر روان طبع بختیاری است که از کتاب شاعران معاصر بختیاری برگزیدم که به این مجموعه می‌فزائیم شعر ورنگفتی (یعنی اتفاقی و بی‌خبری) یک مثنوی است که در مسائل اجتماعی امروز عشایر بختیاری سروده شده و جنبه طنز آن هم بجای خود از یک صلابتی برخوردار است و شعر «ارس خاک» یعنی اشک خاک را تحت تأثیر غزل شیرجنگی اینجانب که در کتاب دوم تاریخ و فرهنگ بختیاری به چاپ رسید تضمین نموده است که بجای خود حرفهای تازه‌ای دارد. متأسفانه در آخرین روزهایی که این کتاب برای چاپ آماده میشد روح بلند پرواز ارشاد به آسمانها پرکشید و یاران و همسفران سفر خود را در سوگی نابهنگام نشانند که درود خدا بر او باد و نام و یادش همواره جاودانه باد.

نگارنده

ورنگفتی<sup>(۱)</sup>

دایلمون <sup>(۳)</sup> دی نیاندنمون به کول	یادم وختی که وابیدم رجول <sup>(۲)</sup>
از یه سیل لیش دلگیر ای بیدیم	وایه لقمه نون و دو <sup>(۴)</sup> سیرای بیدیم
هم سیمون بیدتیت <sup>(۶)</sup> و هم بیدآبرو	یه چه نون و یه پاله <sup>(۵)</sup> پرز دو
پینه وحشی ای چیدیم بال جو	تیر تنو <sup>(۷)</sup> بازی ای کردیم بال رو
یادار وختا به خیر با بید او	ای کشیدیم جو ایر هدسی آسیو <sup>(۸)</sup>

۲- رجول: کودکی

۱- ورنگفتی: بی‌خبر

۴- دو (بروزن کر): دروغ

۳- دایلمون: مادرها بمان

۶- قیت: غذا

۵- پاله: کاسه مسی

۷- تیر تنو: سنگ روی آب برناب کردن

۸- آسیو: آسیاب آبی (بچه‌ها آسیابهایی برای بازی می‌ساختند)

عیدها از گیمون ایوی برنج  
 بی خور از گنه‌های اتیوی  
 وختی ایوردن به صنلق پرتقال  
 راهیوستیم چونه‌هونه<sup>(۱)</sup> اخوش حوش<sup>(۲)</sup>  
 جومه<sup>(۳)</sup> و شولارمون<sup>(۴)</sup> متقال بید  
 یون نگهدم پرتقال کی بید به مال  
 وختی ایرهدیم همه سیتزه به در  
 ای گهدن<sup>(۵)</sup> یورسم جهشید جمه  
 حالا نحسی نیره از حونت به در  
 زب و زب نیشناختیم ایما ز یک  
 ماخوینوتیم<sup>(۶)</sup> مرام و دین چنه<sup>(۷)</sup>  
 چن دغه گهدن<sup>(۸)</sup> گیون دده سیمون<sup>(۹)</sup>  
 دل هموسو<sup>(۱۰)</sup> دردر<sup>(۱۱)</sup> ار شاد بید

گوشمون از درد و رنجا بید دنج  
 از غم و غصه دلامون بید پتی  
 ما اینفهمیدیم تو واید مال  
 والواس<sup>(۱۲)</sup> سهر<sup>(۱۳)</sup> و اسید و بنوش<sup>(۱۴)</sup>  
 سر همی متقال هم جنجال بید  
 اوسو<sup>(۱۵)</sup> نارنج ایگهدن<sup>(۱۶)</sup> پرتقال  
 نحسینه از مال ایگردیم دس به سر<sup>(۱۷)</sup>  
 هم یکی مند سی ایما از او همه  
 ار همه روزت و ابو سیتزه بئر  
 اسم پیر<sup>(۱۸)</sup> ایوی دلا ای زیدک<sup>(۱۹)</sup>  
 اعتقادات و مذهب و آیین چنه  
 قلبمون<sup>(۲۰)</sup> لاری به کفت<sup>(۲۱)</sup> بازگرون<sup>(۲۲)</sup>  
 فرگمون<sup>(۲۳)</sup> از درد و رنج آزاد بید

- ۱- خون: خانه  
 ۲- حوش: حیاط  
 ۳- لواس: لباس  
 ۴- لواس: سهر: سرخ. فرمز  
 ۵- بنوش: بنفش  
 ۶- جومه: بیواهن. جام  
 ۷- شولار: شلوار دبیت  
 ۸- ایگهدن: می گفتند  
 ۹- و ابو: بشرد  
 ۱۰- دکه: تریزدن از ترس  
 ۱۱- چنه: چیست  
 ۱۲- سیمون: برامان  
 ۱۳- کفت: بالای کوه (گردنه)  
 ۱۴- بازگرون: باجگیران (روستایی است در جنوب ناغان)  
 ۱۵- هموسو: آن زمان  
 ۱۶- دردر: به دروغ  
 ۱۷- فرگمون: فکرمان

مرگ بر یانکی چه دوستیم چه  
حضرت عباسی ای کردیم مامله<sup>(۱)</sup>  
بوم<sup>(۳)</sup> ایگدیمل<sup>(۴)</sup> ایکنندازمویل<sup>(۵)</sup>  
تو بمیری ار قسم ای خرد مرد  
هفت گم<sup>(۷)</sup> اری به شاپرناز<sup>(۸)</sup> ایرهد  
حالا پای او اعتقاتا ره زویر<sup>(۱۲)</sup>  
صد هزار تا تو بمیری ای زن  
کی ابواستادیم<sup>(۱۳)</sup> منه صف کویون  
جنگ صرب و بوسنی و هرزگوین  
اسم های مینه تاریخ بنر<sup>(۱۵)</sup>  
آشیم<sup>(۱۸)</sup> راس<sup>(۱۹)</sup> آبیله<sup>(۲۰)</sup> بمباتم  
نسل انسونه<sup>(۲۳)</sup> ای ور داره زخاک  
زیر اسم حق و قانون بشر

بیتل و پانکی چه دو نستیم چه  
دز<sup>(۲)</sup> نیید اوسو شریک قافله  
مینه هر کاری همو مل یید دخیل<sup>(۶)</sup>  
راست ایگد ار که دزی هم ایکرد  
پاپتی<sup>(۹)</sup> سی نرد<sup>(۱۰)</sup> اچهرناز<sup>(۱۱)</sup> ایرهد  
قید و بندا از همه وابید دیر  
صد هزارون دغه قولن ایشکنن  
کی ایندایم سی به تیکه تون چون  
کی دلانه تش<sup>(۱۴)</sup> آیزید ایگود خین  
همه آلت<sup>(۱۶)</sup> آیلن به شو بطر<sup>(۱۷)</sup>  
واقرومنتش<sup>(۲۱)</sup> ایده دنیانه<sup>(۲۲)</sup> جم  
جاخسون<sup>(۲۴)</sup> اینه نلارن هیچ باک  
ایتراشن<sup>(۲۵)</sup> سی بشر هر روز شر

- ۱- مامله: مامله  
۲- دزد دزد  
۳- بوم: پدرم  
۴- مل: مو  
۵- مویل: سیل (یک مواز سیل برای تعهدات وثیقه می‌شد)  
۶- دخیل: مداخله (مؤثر بودن)  
۷- هنت گم: هنت قدم  
۸- شاپرناز: امامزاده ایست  
۹- پاپتی: پای برهنه  
۱۰- نرد: نذر  
۱۱- چهارناز: دوستایی که امامزاده بی‌بین نام در آنجاست  
۱۲- ویر: بر وزن سیر: خاطر- باد  
۱۳- ابواستادیم: می‌استادیم  
۱۴- تش: آتش  
۱۵- بنر: بنگر، نگاه کن  
۱۶- آلت: عوض  
۱۷- به شو بدر: یک شبه- فروری  
۱۸- شنیدم  
۱۹- آبیله: سرمت شده  
۲۰- آبیله: سرمت شده  
۲۱- اچهرناز: دوستایی که امامزاده بی‌بین نام در آنجاست  
۲۲- جم: با جدای مهبیش  
۲۳- نسل آدم را  
۲۴- خودشان امن است  
۲۵- میتراشند

نه <sup>(۳)</sup> منه ری زن بچه ایبون <sup>(۴)</sup> خجل	نه <sup>(۱)</sup> خورده رحم اونو <sup>(۲)</sup> دارن بدل
مرد وزنه بجنه <sup>(۷)</sup> تا پیر زنه	کاش به امریکا <sup>(۵)</sup> شوکهمیر زنه <sup>(۶)</sup>
سر همه مون گرم وایید بی امون <sup>(۹)</sup>	تا که راس کرد او سیمون <sup>(۸)</sup> صف کوپون
دیر منه صف ایواسیم <sup>(۱۳)</sup> سی به شیشه شیر	نصمه <sup>(۱۰)</sup> شوایریم <sup>(۱۱)</sup> که نه وایوهه <sup>(۱۲)</sup>
رونقه بازار میرزانه <sup>(۱۶)</sup> بتر <sup>(۱۷)</sup>	وختی <sup>(۱۴)</sup> اعلام اییوهه <sup>(۱۵)</sup> قندوشکر
بس <sup>(۲۰)</sup> ایی ندفلف <sup>(۲۱)</sup> وشتن می پیر	سوپر خمباز <sup>(۱۸)</sup> وایید ملت <sup>(۱۹)</sup> پیر
خستمون <sup>(۲۵)</sup> کردی بیسامفتی <sup>(۲۶)</sup> سیچه	وایید <sup>(۲۲)</sup> ای کاروزنگفتی <sup>(۲۳)</sup> سیچه <sup>(۲۴)</sup>
ایخون <sup>(۲۸)</sup> ایرونه کنن از نشخه کور <sup>(۲۹)</sup>	دشمنون وانشخه های <sup>(۲۷)</sup> جور جور
اسم ایرون مین تیامون <sup>(۳۱)</sup> کند به	تا یکی از بختیاری زندیه <sup>(۳۰)</sup>

www.Bakhtiarries.com

www.Bakhtiarries.com

www.Bakhtiarries.com

۱- نه کمی	۲- آنها دارند
۳- در روی	۴- میشوند
۵- بکا شب	۶- بیماری کوه (پرناب کوه)
۷- بچه را	۸- بر ایمان
۹- ناگهانی	۱۰- نصف
۱۱- میرزیم	۱۲- دیر نشود
۱۳- در صفت می ایستیم برای	۱۴- وقتی
۱۵- میشود	۱۶- میرزا بقال سرکوجه است
۱۷- نگاه کن	۱۸- نامی است
۱۹- مثل	۲۰- باو می بندند
۲۱- قتل و ریمان برای	۲۲- شد
۲۳- الکی	۲۴- چرا
۲۵- خسته مان گردید	۲۶- شما
۲۷- نقشه های	۲۸- میخواهند ایران را
۲۹- از نقشه حذف کنند	۳۰- زنده است
۳۱- در چشمانشان کنده است	



## (ارس خاک)

غزل زیبای شیرجنگی استاد خسروی مرابریان داشت  
که به تخمیس آن پیر دازم حالا جفدر از عهده برآمده  
باشم دآوری آن با «خوانندگان» ما ذوق است.

## عباس ارشاد

ملث کاوه<sup>(۱)</sup> دی کوی<sup>(۲)</sup> از بلک ایمانیورسته<sup>(۳)</sup> از میون آیسل گردی چی قدیمانیورسته  
اورهم<sup>(۴)</sup> قهره که انگشت<sup>(۵)</sup> از دل مانیورسته آسمون تنگه قرمشتی زاورا<sup>(۶)</sup> نیورسته  
هشگ اویدن غله هاگرتی<sup>(۷)</sup> زمالانیورسته  
دایل<sup>(۸)</sup> رود مرده از سوگ جونون<sup>(۹)</sup> ناله دارن جای شیرودو<sup>(۱۰)</sup> سه خین<sup>(۱۱)</sup> جیرمن پاله<sup>(۱۲)</sup> دارن  
داغ سنگینی بدل هامون همه چی<sup>(۱۳)</sup> لاله دارن لاله زارون تشی<sup>(۱۴)</sup> من دل کر<sup>(۱۵)</sup> و صدساله دارن  
ارکه اوراوسن<sup>(۱۶)</sup> دی سیچه<sup>(۱۷)</sup> غوغا نیورسته  
نیدتخاری<sup>(۱۸)</sup> دی زچار<sup>(۱۹)</sup> بایل نشون از تکوارون پر ترک وایید دشت سینه سی چیر<sup>(۲۰)</sup> شت بارون  
خین ایجوش جای او حالامیون چشمه سارون گاگری<sup>(۲۱)</sup> خونن رو گل ورمه ای بیشه زارون

- |                      |                       |
|----------------------|-----------------------|
| ۱- ملث               | ۲- فرزندی             |
| ۳- برنمی خیزد        | ۴- ایر                |
| ۵- آتشی              | ۶- ایرها              |
| ۷- گردی              | ۸- مادوان             |
| ۹- جوانان            | ۱۰- دوغ               |
| ۱۱- خون جگر          | ۱۲- در کاسه دارند     |
| ۱۳- خاکستر           | ۱۴- لاله آتشی         |
| ۱۵- عقده             | ۱۶- ایرها آبستن هستند |
| ۱۷- برای چه          | ۱۸- بخاری تپست        |
| ۱۹- چهاربایان        | ۲۰- رگیار فریاد       |
| ۲۱- نوعی آهنگ غمگانه |                       |

قی خسونا یگن<sup>(۱)</sup> که دی نر شیر ی از جان یور یست

واکنیم سر ز بر یومون<sup>(۲)</sup> جور تیل<sup>(۳)</sup> بیقراری نید<sup>(۴)</sup> راهه تیله شیر ی<sup>(۵)</sup> چی او سوازیبشه زاری

از گاستون نیرمه<sup>(۶)</sup> ورگوش آوای هزار ی چی قدیم از خمون<sup>(۷)</sup> سر کرده ایرون مئاری

تانویسن یه ولا<sup>(۸)</sup> دی من کتاوا<sup>(۹)</sup> نیور یست

وزنه و دل هر دو تانه زیلو دور یای دور پهلون<sup>(۱۰)</sup> وایکارس<sup>(۱۱)</sup> زنده و ابید خاطر خوار زم وایرون

کسور و ابیلک اجاقی آعلیدام<sup>(۱۲)</sup> ردورون لولمی<sup>(۱۳)</sup> بیدس علیمردون<sup>(۱۴)</sup> همون شیر میدون

دشمنون هر جا قطارن سیچه حالان یور یست

گردنم<sup>(۱۵)</sup> بعضی ز کرگل کاری می بویل نکردن نساخلف و ابیلدن<sup>(۱۶)</sup> و او سر خط فرمون دردن

هل<sup>(۱۷)</sup> و جاسون حنده تنگ آلیله<sup>(۱۸)</sup> کردن نوم مردن شیر جنگم آول<sup>(۱۹)</sup> نبیس خوردی<sup>(۲۰)</sup> زس تور دن

گرت<sup>(۲۱)</sup> و لیله او سوارونس زکها<sup>(۲۲)</sup> نیور یست

کرگل ای دوره دی مرد سوار و وزنه نیدن<sup>(۲۳)</sup> دار کردن آریزانه<sup>(۲۴)</sup> خیل یسون آردانه بهندن

نومهای او چاله<sup>(۲۵)</sup> ریزون فرگایل و مال هندن ای در یغم خاک مرگنری پیایل سیچه ر هندن

- ۱- نزد خودشان میگویند
- ۲- بچه حیوان با برنده
- ۳- بچه شیر ی مانند آنروزها
- ۴- در نمیآید
- ۵- از خودمان
- ۶- نمیرسد در گوش
- ۷- در کنابها
- ۸- بکیار دیگر
- ۹- دو پهلان روستائی کنار رود کاورون
- ۱۰- با ابتکارش زنده شد
- ۱۱- آعلیداد فرمان جنگهای بختیاری سالهای ۱۲۶۰ قمری
- ۱۲- ای کاش
- ۱۳- به گردنم سوگند
- ۱۴- فیرمان بختیاری
- ۱۵- خاکسار
- ۱۶- شدند
- ۱۷- فیرمان جنگیا
- ۱۸- تنگ آلود
- ۱۹- خبر دیگر از او نیاوردند
- ۲۰- دامنه کوه
- ۲۱- گرد و کولاک
- ۲۲- مرد سوار لب وزنه نیستند
- ۲۳- آدم بیغرضه
- ۲۴- غریبالها را آویزان کردند و آردها را بیخندند
- ۲۵- آدم بیغرضه

روزمون وایید<sup>(۱۱)</sup> شواتوز کفتا<sup>(۱۲)</sup> نیوریسته

یساداو وختا<sup>(۱۳)</sup> یسخیر زیدن چونانه<sup>(۱۴)</sup> به صحرا  
ای تشستن ز یومایس<sup>(۱۵)</sup> ششتاد رنفت<sup>(۱۶)</sup> دارا  
چی یلنگی ز هله<sup>(۱۷)</sup> هرکس داشت حکم نیو بیدریا<sup>(۱۸)</sup>  
تا عروسی مونه دشمن چی عزا کرد که به هرجا

دی به تسکین دلامون بنگ کرنا نیوریسته

کرگل<sup>(۱۹)</sup> مال دشمنون کورا گویمون چی یلنگن<sup>(۲۰)</sup>  
دشمنون از هییت هونون<sup>(۲۱)</sup> زدست عمر تنگن  
استوار عزمون ای دردسون چینم<sup>(۲۲)</sup> چی سنگن  
از برانتوا یلمون هرجا نیشتی<sup>(۲۳)</sup> شیر جنگن

سیچه غمگینی که مردی از نسا رانیوریسته

تا چراغ زنگی من بختیاری ای یلیو<sup>(۲۴)</sup>  
خسروین<sup>(۲۵)</sup> سرنین پوشین به پاشولار<sup>(۲۶)</sup> وگیو  
دشمن از رشک و حسادت ای زنه که جور<sup>(۲۷)</sup> لیو  
کرگل مالن به خو<sup>(۲۸)</sup> داسون<sup>(۲۹)</sup> زرد دل گریوه

دور و انسا کری<sup>(۳۰)</sup> سی حرمت دان نیوریسته

سرفراز ایوم<sup>(۳۱)</sup> هرجا گوید خوابد<sup>(۳۲)</sup> راهن  
سر بلندن او چون که سر به آتارا ایاهن<sup>(۳۳)</sup>  
واقلمها سون حالا هم حرمت ایل ایپاهن  
کفتی منگشت<sup>(۳۴)</sup> وکلارن که سی مردون گواهن

سیچه کوس جنگنازای کههار همزا<sup>(۳۵)</sup> نیوریت

- |                      |                                   |
|----------------------|-----------------------------------|
| ۱- شد شب             | ۲- آفتاب از شانده کوه بر نمی خیزد |
| ۳- آنروزها           | ۴- خیمه‌ها را                     |
| ۵- مثل               | ۶- مثل                            |
| ۷- زهر               | ۸- نمی لرزید                      |
| ۹- پسوان آبادی       | ۱۰- گونی مانند پلنگ‌اند           |
| ۱۱- آنان             | ۱۲- در دشان بجانم                 |
| ۱۳- نگاه کنی         | ۱۴- میدرخشد                       |
| ۱۵- کلاه حروری نمیدی | ۱۶- شلوار گشاد دبیت               |
| ۱۷- مثل دیوانه       | ۱۸- خواب                          |
| ۱۹- مادرشان          | ۲۰- فرزندی برای حرمت مادر         |
| ۲۱- مینوم            | ۲۲- در می‌آیند                    |
| ۲۳- در می‌آیند       | ۲۴- کوه منگشت وکلار در بختیاری    |
| ۲۵- همزاد            |                                   |

جنگ و اجهل و سیاهی! گویم سالار جنگن علم و دانشون زیاده سی تیا<sup>(۱)</sup> دشمن خدنگن  
خیلیاسون دکتر و آرشیتک از شهر فرنگن کی تره<sup>(۲)</sup> شوخین زنه تا گویم سردار جنگن  
کی گده<sup>(۳)</sup> به شیر جنگی دی زایما<sup>(۴)</sup> نیورسته

www.Bakhtiaries.com

## افراسیاب حیدری نژاد بختیاری

تاکنون کار اصلی این شاعر در زمینه غزل به گویش بختیاری است که بخوبی از عهدهٔ ارائه آن برآمده است چند غزل از این شاعر خوب از مجموعه کتاب شاعران بختیاری برگزیدیم که به این مجموعه بیفزائیم.

«قائد بختیاری»

### «فیض حضور»

ست افسون گل خنده لوات<sup>(۵)</sup> دل مو روشن از پنجره سوز<sup>(۶)</sup> تیات دل مو<sup>(۷)</sup>  
سر افسوت<sup>(۸)</sup> سرینجهٔ عظم نگشید<sup>(۹)</sup> رخ سپیچون<sup>(۱۰)</sup> که ز دیلار تومات دل مو  
عطش هم نفسی و تو چه<sup>(۱۱)</sup> شوری دلوا جون به تن نیگره<sup>(۱۲)</sup> جا تا گدی<sup>(۱۳)</sup> جات دل مو  
به هوایی که گشی عقده<sup>(۱۴)</sup> دلم و انفسی تی به ره منله<sup>(۱۵)</sup> به عمری به هوات دل مو

- |                           |                       |
|---------------------------|-----------------------|
| ۱- برای دشمن              | ۲- میثواند شیخون بزند |
| ۳- گفته                   | ۴- از ما              |
| ۵- لیهایت                 | ۶- سبز چشمه‌هایت      |
| ۷- من                     | ۸- راز افسون تو را    |
| ۹- نگشود حل نکرد          | ۱۰- رخ بیجان          |
| ۱۱- بانو                  | ۱۲- جا نمیگیرد        |
| ۱۳- تا گشتی دل من جدی تست | ۱۴- عقدهٔ دلم بازکن   |

خاطر سوز بهارون اکسنی دشت دل  
 هر کجا (۱۸) صحبتی (۱۹) از فیض حضور (۲۰) تو ایو  
 ار چه بار غم عشق تو بی کرده (۲۳) بره  
 دل تو یا (۲۵) مسووتیم (۲۶) ره و تاریکی شو

بونی یار (۱۶) دمی اره (۱۷) ولات دل مو  
 مین دل انگار زن (۲۱) تش که ناهات (۲۲) دل مو  
 جذبه عشق که و استاد (۲۴) به پات دل مو  
 مشعل حسنت و رکن (۲۷) می نجات (۲۸) دل مو

### «شوگار فراق» (۲۹)

چمی شمع به شوگار نرق تو دوستیم (۳۰)  
 مندی (۳۳) تو بس درد (۳۴) نه نریان کردیم  
 پس چور (۳۶) تو سر لوت (۳۷) نهادیم به بیارون  
 نادل به سر زلف تو و اسپه (۳۰) انگار (۴۱)

پالسته (۳۱) دل از دیسه زکی گروستیم (۳۲)  
 چمی غنچه ز دانگی ایوم پگستیم (۳۵)  
 نشناس گونیم (۳۸) زکی که نکستیم (۳۹)  
 چمی بید ز درندان (۴۲) ایوم ادکستیم (۴۳)

- |                                      |                            |
|--------------------------------------|----------------------------|
| ۱۶- دمی اگر بار بیندازی و فرار بگیری | ۱۵- چشم به راه مانده       |
| ۱۸- هر کجا                           | ۱۷- اگر به ولایت دل من     |
| ۲۰- تو می شود                        | ۱۹- صحبتی                  |
| ۲۲- جلوی تست، بیش روی تست            | ۲۱- می زنند                |
| ۲۴- استاد                            | ۲۲- کمر شکن و طافت فرساست. |
| ۲۶- راه باریک و پر پیچ و خم          | ۲۵- تازه راه افتاده        |
| ۲۸- برای نجات                        | ۲۷- روشن کن، برفروز        |
| ۳۰- آب شدیم                          | ۲۹- شبهای فراق             |
| ۳۲- گریه کردیم                       | ۳۱- تراوش کرده             |
| ۳۴- درد را                           | ۳۳- چشم انتظار             |
| ۳۶- در جستجوی تو                     | ۳۵- ترکیبیم                |
| ۳۸- برای آشنایان ناشناس شدیم         | ۳۷- راه سپردیم             |
| ۴۰- شده                              | ۳۹- لاغر شدیم              |
| ۴۲- باختن و از دست دادن              | ۴۱- گرفتار                 |
|                                      | ۴۳- می لرزیدیم             |

در کعبه و ستخونه و در دیرو کلیما	هر جا که نشونی ز تو دادن نکرکتیم <sup>(۱)</sup>
می گوهر وصل شو خلدونه شو و روز	وردیده دریا از گریوه <sup>(۲)</sup> از نپستیم <sup>(۳)</sup>
میلا <sup>(۴)</sup> ابو هه زرده <sup>(۵)</sup> زمیلا <sup>(۶)</sup> و مرشکم	افسوس که و در قلب چی بردت <sup>(۷)</sup> نتکشیم <sup>(۸)</sup>
وردادمه <sup>(۹)</sup> دنیانه و دل بسته ورتو	هستیم همه اشک آید و وریاتو نکشیم <sup>(۱۰)</sup>
ره تیره و تارینما افتوه <sup>(۱۱)</sup> رینه	از بس ز تحیر لو گشتیم <sup>(۱۲)</sup> ننسیسیم <sup>(۱۳)</sup>

www.Bakhtiaries.com

### «مستی عشق»

به دام عشق تو ای مه دلم گرفتاره	شکوه شوق تو دست از سرم نیور <sup>(۱۴)</sup> داره
پل ننگاهمه تاین نهایت اینم	میرکه <sup>(۱۵)</sup> فاسب خیالت ز جامه <sup>(۱۶)</sup> وور <sup>(۱۷)</sup> داره
زحین <sup>(۱۸)</sup> دل سو گلیم <sup>(۱۹)</sup> چی لاله زارونه	بسی زیرگ <sup>(۲۰)</sup> تو بس تیر غمزه ایباره
غم تونه <sup>(۲۱)</sup> به تلاوت نشسته هرس <sup>(۲۲)</sup> تیام <sup>(۲۳)</sup>	چینا <sup>(۲۴)</sup> گهری تنه <sup>(۲۵)</sup> دی <sup>(۲۶)</sup> راز دل نیواداره <sup>(۲۷)</sup>

۱- رهسپاریم	۲- از اشک
۳- می تبدیلیم	۴- سوراخ می شود
۵- زردکوه	۶- سیلاب
۷- مانند سنگی	۸- فرو نرفتم
۹- رها کرده ام	۱۰- جکیدیم
۱۱- آفتاب حسین را	۱۲- لب را گزیدیم
۱۳- بیحال شدیم	۱۴- بر نمی دارد
۱۵- مگر که	۱۶- از جایم
۱۷- بردارد	۱۸- زخون دل
۱۹- دامنم	۲۰- ابرو
۲۱- غم ترا	۲۲- اشک
۲۳- چنمه ایم	۲۴- برای اینکه، بخاطر اینکه
۲۵- روی تو را	۲۶- دیگر
۲۷- تکه نمی دارد	

خمار کوچی نیست تو کهیم<sup>(۱۱)</sup> کز نه  
 گذارستی عشق تو وست<sup>(۱۳)</sup> و ز رگ جون  
 حضور حجب خیالت کشم به هوگونی<sup>(۴)</sup>  
 بیومکن چنین<sup>(۲)</sup> و اموکه کار دلنزاره  
 که ز آسمون خیالم ستاره ایباره  
 که سر به دار سپردن ز عشق تمنا ره<sup>(۵)</sup>

### آتی کهو<sup>(۶)</sup>

غم عشق کرده بیرم دبه<sup>(۷)</sup> وستنه<sup>(۸)</sup> زروونی  
 برسونه<sup>(۱۱)</sup> ارزگوی تو صیابمویه<sup>(۱۲)</sup> یینم  
 ز فسون نی کهوته<sup>(۱۴)</sup> که دلم به دام ونسلی<sup>(۱۵)</sup>  
 چکسّم ایرتالم موجی بلبلون بمیلد  
 پی دیسنت ایفتم<sup>(۱۷)</sup> چو صیابهر دیاری  
 دل و دین و هر چه بیده<sup>(۲۰)</sup> همته<sup>(۲۱)</sup> به ره تو دادم  
 نزنم به تیر غمزه که مو عاشق سریتم<sup>(۲۳)</sup>  
 دل که به به اشاره تیل<sup>(۲۶)</sup> تو درناهام<sup>(۲۷)</sup>  
 تو بیوبه سر<sup>(۹)</sup> دیارم به<sup>(۱۰)</sup> و اموسرگرونی  
 سر و جون و هر چه دارم ادمن<sup>(۱۳)</sup> به مؤذگونی  
 چه کنم چه چاره سازم ز لای آسمونی  
 چو بیاب حنست ای ول گل حنده ای<sup>(۱۶)</sup> نشونی  
 کنه گوشه<sup>(۱۸)</sup> ایر کر همه بنگان<sup>(۱۹)</sup> ترونی  
 ز تویی و فاندینم به مکشت<sup>(۲۲)</sup> ری زرونی  
 چه اخون<sup>(۲۴)</sup> ز جون زارم خم بر گل کمونی<sup>(۲۵)</sup>  
 چکسّم تمنا ره عشق پی برد نقد جونی

۱- دیوانه نام کرده، مرعوب شده که به کوه بزئم

۳- افتاد

۵- گوارا خوش طعم

۷- دیگر

۹- به سراغم

۱۱- اگر برساند

۱۳- به او میدهم

۱۵- انداختی

۱۷- می افتم

۱۹- اشاره به آیه قرآن مجید

۲۱- همه را

۲۳- عاشق دیوانه تو هستیم

۲۵- ابروان گمانی

۲- اینگونه با من

۴- ورطه و دیار

۶- چشم کیود

۸- افتاده ام

۱۰- با من بس است

۱۲- پیغام

۱۴- از اثر افسون چشم کیود رنگ (آسمانی رنگ گشت)

۱۶- می نشانی، میکاری

۱۸- اگر گوشم را کر کند

۲۰- بوده

۲۲- اشاره سرزبانی

۲۴- چه میخواهند

۲۶- چشمان

ادی تار (۲۸) پل عزیزم دل زارم کنی حین (۲۹) گشسی تا (۳۰) به غمزه هر دم لو تازار غونی (۳۱)  
چی مووستیه (۳۲) بدامس تری (۳۳) دبه گروسی دل دیوه (۳۴) تاقیومت به غمس (۳۵) شو آلوونی (۳۶)

www.Bakhtiaries.com

## علی‌داد رحیمی بختیاری

شعر «از چرخ گردون» و تضمین غزل از داراب افسر عنوان شعرهایی هستند که از مجموعه شعر شاعران بختیاری برگزیدیم و بگوئیم که در هر دو اثر تأثیرپذیری از داراب افسر داشته ولی در حد معقول و انجمن پسندی از عهده برآمده است، ما کتاب پنجم بختیاری در جلوه‌گاه فرهنگ را آئینه تمام نمای شاعران امروز بختیاری قرار دادیم و قطعاً منتظر داوری خوانندگان خود نیز می‌باشیم امید که مورد قبول طبع مشکل‌پسند ادب‌دوستان قرار گیرد.

«قائد بختیاری»

## از چرخ گردون

چینو (۳۷) که نی چرخ گردون وامور قناریکنه روز روشن روز (۳۸) تسیاموچی شو تارایکنه  
رسم شادینه زوروم (۳۹) برده اساتره (۴۰) من (۴۱) دلم ایگویی (۴۲) غم دنیانه انبارایکنه

۲۸- دلم را تاب میدهم

۲۷- از دست دادم

۳۰- بمحض اینک بگشایی

۲۹- خون

۳۲- مانند من افتاده‌ای

۳۱- لب ناز (لب چون گل ناز فرمیزنگ)

۳۴- دل دیوانه

۳۳- دیگر نمی‌توانی فرار کنی

۳۶- گرقناری

۳۵- به غمش

۳۸- چشم‌های من

۳۷- چنین کور

۴۰- میتواند

۲۹- از بادم

۴۲- گوئی

۳۱- در داخل



مردمون مال باو مالسون <sup>(۱)</sup> بهتر زیار	واموسی <sup>(۲)</sup> چه می بتراماله از پارایکت
محنت دنیا <sup>(۳)</sup> وام <sup>(۴)</sup> افسر از کرده از ازل	هرچی از آسایش ایپرسم <sup>(۵)</sup> زمس انکا رایکت
درنم <sup>(۶)</sup> ارنسی <sup>(۷)</sup> خط ونسی اقبالهونی روزگار	آخرس کار مونه نی چرخ دستوارایکت
از کسه هبچی نیگهم <sup>(۸)</sup> از خوف و فرور واپسین	دنگر <sup>(۹)</sup> وادنگس مونه <sup>(۱۰)</sup> می شکوه وادارایکت
رشنن <sup>(۱۱)</sup> دلپسگی هامونه <sup>(۱۲)</sup> وتده <sup>(۱۳)</sup> گردنم	واکشر <sup>(۱۴)</sup> واگش عجب ایماهه اوسار <sup>(۱۵)</sup> ایکت
وریکسی <sup>(۱۶)</sup> ای بخته ملک و حونه و مال و حتم	عده نی نه بتلای ققرواد ببارایکت
مردمی نه ایته <sup>(۱۷)</sup> علم و جادمن تهر و نگب <sup>(۱۸)</sup>	ماقی نم سرگردون <sup>(۱۹)</sup> من برد <sup>(۲۰)</sup> وکهارایکت
پایس <sup>(۲۱)</sup> ناشوم ایلدونه <sup>(۲۲)</sup> سی دو تانون پی <sup>(۲۳)</sup>	ایسکوخوم هون <sup>(۲۴)</sup> سوار بسنز و جگوارایکت
هالوزال صد سال ایماهته <sup>(۲۵)</sup> ملوت مین <sup>(۲۶)</sup> مال	تانه <sup>(۲۷)</sup> مرداس جوونه کور و بیما رایکت
هونه <sup>(۲۸)</sup> وارین رفاه و نعمت سرشاراده <sup>(۲۹)</sup>	هون مونی <sup>(۳۰)</sup> نم پریشون و گرفتارایکت
زنگل <sup>(۳۱)</sup> خویته اوته <sup>(۳۲)</sup> زبردست میرایش <sup>(۳۳)</sup>	تیل <sup>(۳۴)</sup> آه مونه چاریر کفتارایکت

۱- مالشان	۲- با من چرا
۳- دنیا را	۴- با من
۵- از او	۶- میدانم
۷- این	۸- نمی گویم
۹- ادا و اطوار	۱۰- مرا
۱۱- نغ - طناب	۱۲- دلپسگی هایمان را
۱۳- انداخته	۱۴- باز کردن ر بستن
۱۵- افسار	۱۶- به یکی
۱۷- میدهد	۱۸- بزرگ
۱۹- سرگردان	۲۰- سنگ
۲۱- پایرهنه	۲۲- میدانند
۲۳- پایرهنه	۲۴- هم او را
۲۵- میمانند	۲۶- داخل خانه با خیمه
۲۷- عمر	۲۸- خانداری را
۲۹- میدهد	۳۰- خانمانی
۳۱- زنبق	۳۲- می اندازد

زیننه (۳۸) زورایپوزسون (۳۹) وسیره خولراپکنه	گه گذاری (۳۵) میرگل (۳۶) مالها خومه (۳۷) بخت سون
وقتی من جمعیتی گویله دیلار ایکنه	من مرشت لرمحبت حونه داره شادابو
بختیاری چون به پاهنو عس ایشارایکنه	ارتد رنن شهریل معنای مهر وگوگری (۴۰)
چی رحیمی عمرمه صبا تاپسین (۴۲) کارایکنه	به پیاھی (۴۱) ایسره بی رنج گنج ره پیا
ارینخو عزت اده وارتنخو خوار ایکنه	واکنیم شکرمن همه کارامنه مست (۴۳) خومه

۷۵/۹/۹

www.Bakhtiaries.com

www.Bakhtiaries.com

---

۳۴- بیچه آهو	۴۳- مردیل
۳۶- مردمان	۳۵- گاه گاه
۳۸- زن	۳۷- میخوابد
۴۰- برادری	۳۹- از آنها
۴۲- عصر	۴۱- یک مردی
	۴۳- منته خودش است